

لشکرکشیها، وضع مهمات و اسرا، اوضاع بخشهای اروپایی قلمرو عثمانی، هدایای فرستاده شده به سلطان، تشریفات بین وزرا، شرح بعضی مصادرات و نهایتاً گزارشهایی درباره وضع اقتصادی مملکت مشاهده می‌شود. با اینحال، درباره اموری که رسیدگی به آنها صرفاً از طریق فرستادن تلخیص ممکن نبود، صدراعظم شخصاً به حضور سلطان می‌رفت.

احکام صادر شده از دیوان را رئیس الکتاب تصحیح، و رئوس و تلخیصهای مربوط را ثبت می‌کرد، تلخیصها را در کیسه مخصوصی به نام «کیسه تلخیص» می‌نهاد، مقرر مخصوص صدراعظم را بر آن می‌زد و پس از پیچیدن آن در پارچه‌ای مخصوص به حضور سلطان می‌فرستاد.

تلخیصها، بنا بر اهمیتشان، در برگه‌هایی با اندازه‌های مختلف نوشته می‌شدند؛ برای مثال، تلخیصهای درجه‌داران، واعظان، قاضی عسکرها، قبیان و قاضیان در برگه‌های کوچک؛ تلخیصهای محافظان قصرها، آغایان پنی چری، وزرای دارای دو توغ^۵، رئیس دربانان، میرآخوران و کاتبان توپخانه در برگه‌های «نصف»؛ تلخیصهای خان کریمه، قپودان دریا، شریف مکه، همچنین مسائلی مقام صدارت در برگه‌های بزرگ ثبت می‌گردید. تلخیصها را همیشه روی کاغذ مخصوصی به نام کاغذ تلخیص می‌نوشتند؛ و این باعث شده بود که حتی در اوایل قرن سیزدهم، به کاغذی که در کارخانه کاغذسازی بکتوز (بیکوز^۱) تولید می‌شد، نام «کاغذ تلخیص» داده شود.

در اواخر قرن دهم و یازدهم، تلخیص در مکاتبات رسمی عثمانی اهمیت بسیاری داشت، لیکن بعدها اهمیت خود را از دست داد و مأمورانی با رتبه پایین نیز تلخیص می‌نوشتند.

منابع: برای اطلاعات بیشتر —

Osmanlı tarihine ait belgeler, Telhisler: 1597-1607, İstanbul 1970.

نیز —

[E^۱], s.v. "Talkhışdjî" (by J. H. Kramers)].

/ چنگیز اورخونلو، تلخیص از (د.ا. ترک) /

تلخیص (۲) — خلاصه نویسی

تلخیص البیان فی مجازات القرآن، کتابی به عربی در بیان مفاهیم مجازی و استعاره‌ی قرآن، تألیف ابوالحسن محمدبن حسین شریف رضی، دانشمند امامی نیمه دوم قرن چهارم (متوفی ۴۰۶). این کتاب نخستین اثر مستقل درباره مجازها و استعاره‌های قرآن است و خود مؤلف در المجازات

النبوته (ص ۱۰) به این نکته اشاره کرده است، هر چند کتاب مجاز القرآن ابو عبیده معمر بن مثنی (متوفی ۲۰۹) عنوان مجاز دارد، اما مجاز در نزد وی معنایی عام داشته و مراد از آن راههایی بوده که قرآن برای بیان مقاصد خود برگزیده است (ج ۱، مقدمه سرگین، ص ۱۹). ازینرو مجاز با کلمات تفسیر، معنی، تقدیر و تأویل مترادف شده است و معنای بلاغی آن مورد نظر نیست (همان، ص ۱۸-۱۹؛ علوی مقدم، ص ۱۳۳، ۱۳۹؛ برای نمونه‌ها — ابو عبیده، ج ۱، ص ۳، ۱۴۷، ۲۰۵).

تلخیص البیان کتابی ارزشمند و به‌نوشته ابن خلیکان (ج ۴، ص ۴۱۶) در نوع خود نادر است. مؤلف در المجازات النبویه (ص ۹) و ابن عنبه (ص ۲۰۷) و امین (ج ۹، ص ۲۱۸)، نام کتاب را تلخیص البیان عن مجازات القرآن آورده‌اند، اما در پاره‌ای منابع نام آن تلخیص البیان من مجازات القرآن آمده است (ابن شهر آشوب، ص ۵۱؛ حرّ عاملی، قسم ۲، ص ۲۶۱). برخی نیز به دلیل موضوع کتاب، آن را با عنوان مجاز یا مجازات القرآن ذکر کرده‌اند (نجاشی، ص ۳۹۸؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، ص ۴۲۱؛ فزوخ، ج ۳، ص ۶۰)، ولی عنوان آن در تمام چاپها، تلخیص البیان فی مجازات القرآن است.

باتوجه به‌نثر زیبای شریف‌رضی (— باخرزی، ج ۱، ص ۲۹۳؛ ابن جوزی، ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ متر، ج ۱، ص ۴۸۷، ۴۹۱؛ تستری، ج ۸، ص ۱۴۸) و عبارتهای فصیح و ترکیبهای اصیل که استادی وی را نشان می‌دهد (— شریف رضی، چاپ محمد عبدالغنی حسن، ص ۱۶۱، ۳۰۴؛ چاپ مشکوة، مقدمه، ص م)، در سیر علوم بلاغی، این کتاب از مهمترین آثار تحقیقی سده چهارم است (ضیف، ص ۱۳۹) که مجازها و استعاره‌ها و کنایه‌های قرآن کریم را، به ترتیب سوره‌ها و آیات و با استشهادهای فراوان از اشعار عربی، با عنوان کلی مجاز آورده است (همان، ص ۱۴۰؛ برای نمونه شواهد — شریف رضی، چاپ محمد عبدالغنی حسن، ص ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۷۹) و می‌توان آن را تفسیر بیانی قرآن کریم دانست که برای نشان دادن جنبه اعجاز بلاغی و بیانی قرآن نوشته شده است (همان، مقدمه، ص ۶۱). از جمله، بحث از آیه: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ...» (بقره: ۱۵) قابل ذکر است که «استهزاء» مجازاً به‌خداوند اسناد داده شده است، زیرا خداوند حلیم و حکیم است و استهزاء، عکس اینهاست؛ ازینرو در این آیه جزای استهزاء که مؤاخذه و عقاب است، استهزاء نامیده شده است (همان، ص ۱۱۳-۱۱۴). شریف رضی همچنین ضمن بحث از آیه: «... مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ...» (توبه: ۱۱۷) آن را استعاره دانسته و معنای حقیقی زیغ را اعوجاج و کجی ذکر کرده است. به‌نظر او در این آیه حالت درونی و روانی آنانی که از

برگرداند و با استشهاد از اشعار فارسی (برای نمونه ← ص ۴۴-۴۵، ۴۹، ۶۰) به چاپ رساند.

منابع: علاوه بر قرآن؛ آقابزرگ طهرانی؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، چاپ محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ ابن خلکان؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن عنبه، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، چاپ محمد حسن آل طالقانی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ معمر بن مثنی ابوعبیده، مجاز القرآن، چاپ محمد فؤاد سزگین، قاهره ۱۹۸۸؛ امین؛ علی بن حسن باخرزی، دمیة القصر و عصرة اهل العصر، چاپ محمد تونجی، ج ۱، دمشق [؟] ۱۳۹۱/۱۹۷۱؛ محمد تقی سنتری، قاموس الرجال، تهران ۱۳۷۹-۱۳۹۱؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، اصل الآمل، چاپ احمد حسینی، قسم ۲، قم ۱۳۶۲ش؛ محمد بن حسین شریف رضی، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، چاپ محمد مشکوة، تهران ۱۳۲۹-۱۳۳۲ش؛ همان، چاپ محمد عبدالغنی حسن، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ همان، ترجمه محمد باقر سبزواری، تهران ۱۳۳۰ش؛ همو، المجازات النبویة، چاپ طه محمد زینی، قاهره ۱۹۶۸، چاپ افست قم [بی تا]؛ شوقی ضیف، البلاغة تطور و تاریخ، قاهره ۱۹۸۷؛ محمد علوی مقدم، «مقابلة مجاز القرآن ابوعبیده و تلخیص البیان سیدرضی»، در یادنامه علامه شریف رضی، به اهتمام ابراهیم سیدعلوی، تهران ۱۳۶۶ش؛ عمر فروغ، تاریخ الادب العربی، ج ۳، بیروت ۱۹۸۹؛ آدام منز، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری، نقله الی العربیة محمد عبدالهادی ابوریدة، قاهره ۱۳۷۷/۱۹۵۷؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

/ باقر قربانی زرن /

تلخیص المفتاح، کتابی در معانی و بیان و بدیع به عربی از محمد بن عبدالرحمان خطیب قزوینی^۵ (متوفی ۷۳۹). این کتاب خلاصه بخش سوم کتاب مفتاح العلوم ابویعقوب یوسف سکاکی^۶ (متوفی ۶۲۶) است. خطیب گفته است که چون علم بلاغت و توابع آن از شریفترین و دقیقترین دانشها و بخش سوم کتاب مفتاح العلوم از بهترین نوشته‌ها در این باب است و از طرفی این کتاب از حشو و تعقید خالی نیست، بر آن شده تا آن را با ترتیبی سهل تلخیص کند و بر آن مطالبی بیفزاید که در جای دیگر بدانها تصریح نشده است (تلخیص المفتاح، ص ۲).

خطیب در مقدمه تلخیص المفتاح (ص ۲-۴) فصاحت و بلاغت را تعریف و به مرز میان آن دو اشاره کرده، سپس در سه بخش «فن» به علم معانی و بیان و بدیع پرداخته است: بخش اول در علم معانی و در هشت باب است، مشتمل بر بحث اسناد، مستدالیه، مسند، متعلقات فعل، قصر، انشاء، فصل و وصل، ایجاز و اطبات و مساوات (ص ۵-۴۳)؛ بخش دوم در علم بیان است و در آن اقسام تشبیه، استعاره و کنایه مطرح شده است

شدت ترس نزدیک بوده است خود را ببازند، بنه موجود محسوس تشبیه شده که پس از استقامت و راستی به کجی گراید و بعد از ثبات و استواری، منحرف شود. شریف رضی برای اثبات گفته خود آیه بعد را دلیل آورده که می‌گوید: «... حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ...» (توبه: ۱۱۸) و افزوده است که این نیز استعاره است و در واقع تشبیه معقول به محسوس است، زیرا توصیف نفس به تنگی و گشادگی، حقیقی نیست بلکه مجازی است (همان، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ علوی مقدم، ص ۱۴۵-۱۴۶).

شریف رضی در تلخیص البیان از پدر خود، ابواحمد حسین بن موسی، با عبارت «رضی اللہ عنه و أرضاه» یاد کرده است (چاپ محمد عبدالغنی حسن، ص ۳۲۲)؛ با توجه به سال درگذشت پدرش (۴۰۰) و سال وفات خودش (۴۰۶)، وی باید کتاب را در شش سال آخر زندگی اش نوشته باشد. او در این کتاب از برخی استادانش نام برده است، از جمله از ابن جتنی، قاضی عبدالنجار معتزلی و ابوبکر محمد بن موسی خوارزمی (همان، ص ۱۴۸، ۱۱۲، ۲۸۰-۲۸۱).

برخی از ویژگیهای تلخیص البیان عبارت است از: ذکر قرائتهای مختلف بنا بر نظر قاریان هفت‌گانه (← همان، ص ۱۱۴، پانویس ۲، ص ۱۲۷، پانویس ۱)؛ بحث از معانی واژگان و ترکیبهای قرآنی (← همان، فهرست، ص ۴۴۷-۴۵۸)؛ برطرف کردن مشکلات شواهد شعری که به آنها استناد کرده و اظهار نظر در مسائل اختلافی (همان، چاپ مشکوة، مقدمه، ص م) و استفاده از احادیث در بیان مجازها و ترکیبهای قرآنی (← همان، چاپ محمد عبدالغنی حسن، ص ۱۵۷، ۱۷۴، ۲۷۴). به تصریح مؤلف در این کتاب، برخی سوره‌ها معانی مجازی ندارند، مانند سوره عبس (همان، ص ۳۵۹) و سوره انفطار (همان، ص ۳۶۰). او در کتاب خود، از شاعران دوره عباسی شاهدهی نیآورده، زیرا در گذشته اصالت شعر عربی را تا پایان دوره اموی می‌دانستند (همان، مقدمه محمد عبدالغنی حسن، ص ۳۹).

نخستین بار سید محمد مشکوة نسخه‌ای از این کتاب را شناسایی و عکس آن را با مقدمه و فهرستهای مختلف در ۱۳۲۹ در تهران چاپ کرد. سپس محقق مصری، محمد عبدالغنی حسن، همین نسخه را به شیوه‌ای بدیع تحقیق و در ۱۳۷۴/۱۹۵۵ در مصر چاپ کرد و چاپ افست آن را نیز در بیروت منتشر نمود. پس از این دو چاپ، نسخه دیگری از کتاب در کتابخانه سید محمد جزائری در نجف به دست آمد و مکی سید جاسم چاپ کامل آن را در ۱۳۷۵ در بغداد انتشار داد که اساس چاپ دیگری در تهران در ۱۴۰۷ شد. سید محمد باقر سبزواری آن را در ۱۳۳۰ش در تهران به فارسی